



آرشیو و کتابخانه ملی و اسنادی ایران

# فرهاد دفتری و مطالعات اسماعیلیه

فریبا عباس پور  
با مقدمه دکتر فرهاد دفتری



# Farhad Daftary and Ismaili Studies

Fariba Abbaspour

Introduction by Farhad Daftary

اسماعیلیان که پس از شیعیان  
اثنا عشری یا دوازده امامی دومین  
جامعه مسلمانان شیعی را در جهان  
اسلام تشکیل می دهند، تاریخی  
طولانی و پرماجرا داشته اند که آغاز آن  
به صدر اسلام می رسد، یعنی  
همان دورانی که جوامع مختلف  
مسلمان با تعبیرهای متفاوت مواضع  
عقیدتی خود را می پروراندند. در حال  
حاضر، اسماعیلیان به عنوان اقلیت های  
دینی در بیش از سی کشور در خاورمیانه  
و در قاره های آسیا، آفریقا، اروپا و  
آمریکای شمالی پراکنده هستند.

از جمله محققان و صاحب نظران که در  
قلمرو تاریخ و عقاید اسماعیلیه آثار  
بسیاری را تألیف نموده می توان به  
دکتر فرهاد دفتری اشاره کرد، که این  
اثر به شیوه ای خاص ایشان در  
خصوص اندیشه نگاری مطالعات  
اسماعیلیه پرداخته است.

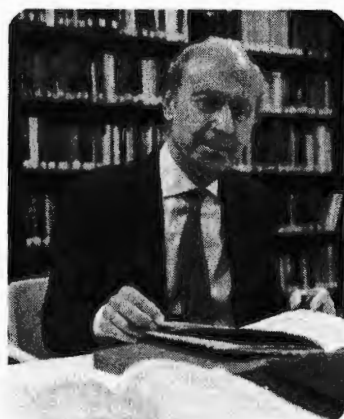


THE UNIVERSITY OF RELIGIONS  
AND DENOMINATIONS PRESS





فرهاد دفتری و مطالعات اسماعیلیه



دکتر فرهاد دفتری



- سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
فروست  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
موضوع
- عباس پور، فریبا، ۱۳۶۳ -  
فرهاد دفتری و مطالعات اسماعیلیه / تالیف فریبا عباس پور.  
قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۴۰۲.  
۲۴۸ ص.  
انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۲۳۹.  
۸-۲۵-۷۹۶۷-۶۲۲-۹۷۸  
فیبا.  
دفتری، فرهاد، ۱۳۱۷ - -- نقد و تفسیر
- موضوع  
Daftary, Farhad, 1938- -- Criticism and interpretation  
موضوع  
Daftary, Farhad, 1938- -- Bibliography  
موضوع  
اسماعیلیه -- تاریخ نویسی  
Ismailites -- Historiography  
موضوع  
اسماعیلیه -- تاریخ  
Ismailites -- History  
موضوع  
اسماعیلیه -- عقاید  
Ismailites -- Doctrines  
شناسه افزوده  
دانشگاه ادیان و مذاهب.  
شناسه افزوده  
دانشگاه ادیان و مذاهب. معاونت پژوهشی.  
DSRA۵۵۵ :  
۹۵۵/۰۵۴ :  
۹۱۷۴۰۸۷ :  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی

# فرهاد دفتری و مطالعات اسماعیلیه

فریبا عباس پور



انشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

معاونت پژوهش

۱۴۰۲



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۱۳-۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰، ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱

تلفکس مرکز بخش و فروش: ۰۲۵-۳۲۸۰۶۶۵۲

فروشگاه اینترنتی:

@Libadyan

@ketabsara\_adyan

www.Adyanpub.com

## فرهاد دفتری و مطالعات اسماعیلیه

- نویسنده: فریبا عباس‌پور
- ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۲
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار
- صفحه آرا: نیره نجفی
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- مرجع قیمت: وب‌سایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۶۷-۲۵-۸

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیک، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

## فهرست مطالب

|               |    |
|---------------|----|
| مقدمه.....    | ۱۱ |
| پیشگفتار..... | ۱۵ |

### فصل اول: زندگی نامه فرهاد دفتری

|                                                                  |    |
|------------------------------------------------------------------|----|
| مآخذشناسی فرهاد دفتری.....                                       | ۳۳ |
| کتاب‌ها.....                                                     | ۳۵ |
| کتاب تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه.....                              | ۳۵ |
| کتاب ادبیات اسماعیلیه: کتاب‌شناسی منابع و مطالعات.....           | ۳۸ |
| کتاب افسانه‌های حشاشین: یا اسطوره‌های فدائیان اسماعیلی.....      | ۴۰ |
| کتاب تاریخ معاصر اسماعیلیان (تداوم و تحول در جماعتی مسلمان)..... | ۴۲ |
| کتاب تاریخ و اندیشه‌های اسماعیلی در سده‌های میانه.....           | ۴۳ |
| کتاب مختصری در تاریخ اسماعیلیه.....                              | ۴۴ |
| کتاب سنت‌های عقلانی در اسلام.....                                | ۴۵ |
| کتاب تاریخ تشیع.....                                             | ۴۶ |
| کتاب اسماعیلیه و ایران: مجموعه مقالات.....                       | ۴۸ |
| تاریخ مصور اسماعیلیان.....                                       | ۴۹ |
| فرهنگ لغت تاریخی اسماعیلیان.....                                 | ۵۰ |
| مطالعه اسلام شیعی: تاریخ، الهیات و حقوق.....                     | ۵۰ |
| العالم الشیعی طرائق فی التقليد و الحدائث.....                    | ۵۲ |
| امامان اسماعیلی.....                                             | ۵۲ |
| مقالات.....                                                      | ۵۳ |

|         |                                                     |
|---------|-----------------------------------------------------|
| ۵۳..... | نکاتی درباره آغاز نهضت اسماعیلیه.....               |
| ۵۳..... | غزالی و اسماعیلیه.....                              |
| ۵۳..... | زمان ادواری و عرفان اسماعیلی.....                   |
| ۵۴..... | مطالعات اسماعیلی، پیشینه تاریخی و روندهای جدید..... |
| ۵۴..... | ولادیمیر ایوانف، استادی در اسماعیلیه شناسی.....     |
| ۵۵..... | اسلام شیعی چیست؟.....                               |
| ۵۵..... | نقد و معرفی کتاب.....                               |
| ۵۵..... | تاریخ اسماعیلیه حافظ ابرو.....                      |
| ۵۵..... | قلاع اسماعیلیه.....                                 |
| ۵۶..... | نقد بر کتاب زبده التواریخ ابوالقاسم کاشانی.....     |
| ۵۶..... | اسماعیلیان در تاریخ.....                            |
| ۵۷..... | کتابی نه چندان مهم در تاریخ اسماعیلیه.....          |
| ۵۷..... | مقالات اسماعیلی.....                                |
| ۵۷..... | فلسفه اخلاقی ناصر خسرو و ریشه‌های آن.....           |
| ۵۸..... | دانشنامه جهان اسلام.....                            |
| ۵۸..... | اشخاص.....                                          |
| ۵۹..... | فرقه‌ها و اصطلاحات.....                             |
| ۵۹..... | مصاحبه.....                                         |
| ۵۹..... | روش‌شناسی آثار دفتری.....                           |

### فصل دوم: چپستی روش‌شناسی و مکاتب تاریخ‌نگاری

|         |                                 |
|---------|---------------------------------|
| ۶۲..... | عینیت و حقیقت در تاریخ.....     |
| ۶۴..... | تاریخچه مبحث روش‌شناسی.....     |
| ۶۵..... | روش و روش‌شناسی.....            |
| ۶۵..... | روش‌شناسی از نظر لغوی.....      |
| ۶۸..... | روش‌شناسی از نظر اصطلاحی.....   |
| ۷۱..... | مکاتب تاریخ‌نگاری در اروپا..... |
| ۷۱..... | مکتب رانکه.....                 |
| ۷۴..... | مکتب آنال.....                  |



|    |                                                           |
|----|-----------------------------------------------------------|
| ۷۵ | مکاتب تاریخ‌نگاری اسلامی                                  |
| ۷۸ | روش‌های تاریخ‌نگاری اسلامی                                |
| ۷۸ | روش روایی                                                 |
| ۷۸ | روش ترکیبی                                                |
| ۷۹ | روش تحلیلی                                                |
| ۷۹ | تاریخ‌نگاری اسماعیلیه                                     |
| ۸۲ | روش‌شناسی و انواع آن در عرصه شیعه‌پژوهی و بررسی میزان ... |
| ۸۲ | انواع روش‌شناسی شیعه پژوهان                               |
| ۸۳ | روش تاریخی‌گری                                            |
| ۸۴ | روش پدیدارشناسانه                                         |
| ۸۶ | اسماعیلیه و مستشرقان                                      |
| ۸۶ | ایوانف                                                    |
| ۸۹ | مادلونگ                                                   |
| ۸۹ | روش مادلونگ در مطالعه منابع اسلامی                        |
| ۹۱ | استرن                                                     |
| ۹۲ | جمع‌بندی                                                  |

### فصل سوم: روش‌شناسی تاریخ‌نگاری دفتری درباره اسماعیلیه

|     |                                                  |
|-----|--------------------------------------------------|
| ۹۳  | روش‌شناسی در بررسی منابع، اسناد و تحقیقات میدانی |
| ۹۳  | روش جمع‌آوری داده‌ها                             |
| ۹۳  | روش کتابخانه‌ای                                  |
| ۹۴  | روش میدانی                                       |
| ۹۴  | روش اسنادی                                       |
| ۹۷  | نحوه گردآوری داده‌ها توسط دفتری                  |
| ۹۷  | روش کتابخانه‌ای و جمع‌آوری منابع و اسناد         |
| ۹۷  | استفاده از منابع دست‌اول اسماعیلیان              |
| ۱۰۰ | استفاده از منابع نویسندگان مخالف                 |
| ۱۰۳ | استفاده از منابع محققین مستشرق                   |
| ۱۰۴ | استفاده از سایر منابع موجود درباره اسماعیلیه     |

|     |                                                                       |
|-----|-----------------------------------------------------------------------|
| ۱۰۷ | ..... روش میدانی                                                      |
| ۱۰۹ | ..... روش‌شناسی تاریخ‌نگاری فرهاد دفتری در بررسی، توصیف و تحلیل حوادث |
| ۱۱۱ | ..... روش توصیفی                                                      |
| ۱۱۴ | ..... مرحله‌بندی تاریخ                                                |
| ۱۱۸ | ..... جداول، تصاویر و نقشه‌ها                                         |
| ۱۱۹ | ..... فصل‌بندی                                                        |
| ۱۱۹ | ..... روش تحلیلی                                                      |
| ۱۲۰ | ..... ویژگی‌های روش تحلیلی                                            |
| ۱۲۲ | ..... تحلیل اصطلاحات                                                  |
| ۱۲۳ | ..... روش مقایسه‌ای                                                   |
| ۱۲۸ | ..... جمع‌بندی                                                        |

### فصل چهارم: روش‌شناسی اندیشه‌نگاری دفتری درباره اسماعیلیه

|     |                                                          |
|-----|----------------------------------------------------------|
| ۱۳۳ | ..... روش‌شناسی در قلمرو باورها و اندیشه‌های اسماعیلیه   |
| ۱۳۴ | ..... منبع‌شناسی و منابع دفتری در زمینه باورهای اسماعیلی |
| ۱۳۶ | ..... استفاده از منابع محققین مستشرق                     |
| ۱۴۰ | ..... استفاده از منابع امامیه                            |
| ۱۴۱ | ..... استفاده از منابع نویسندگان اهل سنت                 |
| ۱۴۲ | ..... استفاده از منابع دست‌اول اسماعیلیان                |
| ۱۴۵ | ..... اجزا و مؤلفه‌های روش‌شناسی عقیدتی دفتری            |
| ۱۴۵ | ..... نحوه ورود به مباحث عقیدتی                          |
| ۱۴۷ | ..... طرح عقاید در متن گزارش حوادث تاریخی                |
| ۱۵۰ | ..... توضیح و تبیین مفاهیم عقیدتی                        |
| ۱۵۰ | ..... نص                                                 |
| ۱۵۱ | ..... تأویل و باطنی‌گری                                  |
| ۱۵۲ | ..... اندیشه هفت دوره در تاریخ مقدس                      |
| ۱۵۳ | ..... داعی                                               |
| ۱۵۴ | ..... جانب‌داری و یا عدم جانب‌داری در بررسی عقاید        |
| ۱۵۷ | ..... استفاده از روش مقایسه‌ای در بررسی عقاید            |

|     |                                                               |
|-----|---------------------------------------------------------------|
| ۱۵۸ | امامت و منابع فقه                                             |
| ۱۵۹ | فقه و کلام                                                    |
| ۱۶۰ | اجتهاد                                                        |
| ۱۶۲ | هدف و سمت و سوی مطالعات دفتری درباره اسماعیلیه و آموزه‌های آن |

## فصل پنجم: رویکرد فرهاد دفتری در مطالعات اسماعیلیه

|     |                                                                  |
|-----|------------------------------------------------------------------|
| ۱۶۸ | منظرها و رویکردها                                                |
| ۱۶۸ | تاریخ‌نگاری                                                      |
| ۱۶۹ | تاریخ‌نگری                                                       |
| ۱۶۹ | پدیدارشناسی                                                      |
| ۱۷۰ | تاریخی‌نگری                                                      |
| ۱۷۲ | تاریخ‌نگاری فرهاد دفتری در مطالعات اسماعیلی                      |
| ۱۷۲ | رویکرد تاریخ‌نگری فرهاد دفتری در مطالعات اسماعیلی                |
| ۱۷۴ | اهمیت مطالعات و پژوهش‌های فرهاد دفتری با تکیه بر بُعد روش‌شناختی |
| ۱۷۵ | آراء و نظرات محققان مطالعات اسماعیلی و شیعه‌شناسی درباره         |
| ۱۸۹ | دستاوردها و نویافته‌های پژوهش                                    |
| ۱۹۵ | پیوست                                                            |
| ۱۹۵ | ۱- نامه دکتر فرهاد دفتری                                         |
| ۱۹۷ | ۲- بیلبیوگرافی آثار فرهاد دفتری                                  |
| ۲۳۹ | کتاب‌نامه                                                        |
| ۲۳۹ | الف) منابع فارسی و عربی                                          |
| ۲۴۷ | ب) وب‌سایت                                                       |
| ۲۴۸ | ج) منابع لاتین                                                   |



## مقدمه

هر محقق و دانشمندی در هر رشته و قلمروی علمی برای گردآوری، دسته‌بندی، استفاده از داده‌های تحقیق و پردازش آنها از روشی علمی استفاده می‌کند تا به نتایج دقیق و صائب دست یابد. هنگامی که یک محقق در یک قلمروی علمی دستاوردهای مهمی را عرضه می‌کند بی‌شک روشی را که او در مراحل یادشده تحقیق به کار گرفته، کارآمد بوده است. در اینجا گفته می‌شود محقق «متدولوژی» مناسبی را به کار گرفته است.

روش‌شناسی در هر علم نیز روش‌های مناسب و پذیرفته‌شده آن علم را برای شناخت هنجارها و قواعد به کار می‌بندد.<sup>۱</sup> روش‌شناسی، به تناسب علوم مختلف، شاخه‌ها و گونه‌های مختلفی دارد. بدیهی است کسانی که در حوزه تاریخ کار می‌کنند حتماً به روش‌شناسی احتیاج دارند و از روش‌شناسی مناسب بهره می‌گیرند. در پژوهش‌های تاریخی نیز هیچ محقق نمی‌تواند بدون روش‌شناسی یک پژوهش تاریخی موفق انجام دهد. صرف جمع‌آوری اطلاعات از چند منبع تاریخی و تبدیل آنها به متن، پژوهش تاریخی نیست. چنانکه اشاره شد، در هر پژوهش به روشی نیاز داریم که با آن روش، اطلاعات را تحلیل کنیم، پیرورانیم و بتوانیم یک ادعای تاریخی را مطرح کنیم.

در عصر حاضر مطالعات روشمندی در حوزه مطالعات تاریخی و به ویژه تاریخ تشیع انجام شده است. یکی از جریان‌های تشیع که در طول تاریخ دارای

---

۱. بیگدلی ضیائی، محمدرضا، «متدولوژی حقوق بین‌الملل»، ص ۷.

فراز و نشیب‌ها و نیز تحولات و تطورات بسیاری بوده و آثار و پژوهش‌های متعددی در مورد آن نوشته شده، اسماعیلیه است. مستشرقان و شیعه‌پژوهان غربی از جمله محققانی بوده‌اند که حول تاریخ و عقاید اسماعیلیان آثار متعددی را نگاشته‌اند و هرکدام در مطالعات خود از روش‌های مشخصی بهره برده‌اند. در دهه‌های اخیر خود مسلمانان و شیعیان نیز در کنار اسلام‌پژوهان و شیعه‌پژوهان غربی و با روش‌های امروزی و آکادمیک به مطالعه و تحقیق در حوزه اسلام و فرقه‌ها و مذاهب آن پرداخته‌اند. از جمله این دست محققان دفتری است که در زمینه تاریخ و عقاید اسماعیلیه پژوهش‌های روشمند فراوانی انجام داده و تألیفات مهمی را عرضه کرده است. دفتری با مطالعات فراوان خود متوجه شد که مباحث مبهم زیادی درباره تاریخ و اصول عقاید اسماعیلیه وجود دارد که نیازمند تحقیقات بیشتر است، از این رو، در اواسط دهه ۱۳۴۰ ش. کار خود را به طور منظم با تحقیقات درباره تاریخ تشیع به طور عام و اسماعیلیه به طور خاص و همچنین ارتباط با صاحب‌نظران در زمینه مطالعات اسماعیلیه (استرن، هاجسن، عباس همدانی، پوناوالا، مادلونگ و...) آغاز کرد و کار تحقیق در این عرصه را همان‌طور که به طور علمی مرسوم است با شناسایی منابع و ارزیابی آنها آغاز نمود<sup>۱</sup> و دریافت که هیچ‌یک از تألیفات موجود پاسخگوی سؤالات متعددی که همواره مطرح بوده است، نیست. لذا دفتری کتابی جامع درباره تاریخ و عقاید اسماعیلیه تألیف نمود. این اثر، با عنوان تاریخ و عقاید اسماعیلیان در سال ۱۳۶۹ ش. منتشر شد. همچنین این کتاب در سال ۱۳۸۶ ش. با ویرایشی تازه و افزوده‌های بسیار سپس با ترجمه فارسی توسط فریدون بدره‌ای با عنوان تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه منتشر گردید. این امر نشان می‌دهد که دفتری مطالعه و تحقیقات خود را به نحوی روشمند و با متدولوژی مناسب پیش برده و به انجام رسانده است. از دیگر آثار ایشان می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: ۱- افسانه‌های حشاشین ۲-

۱. دفتری، فرهاد، «عقاید اسماعیلیه در گفت و گو با دفتری» ص ۱۴.

تاریخ معاصر اسماعیلیان ۳- سنت‌های عقلانی در اسلام و... او علاوه بر کتب فراوان، مقالاتی را نیز برای دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه ایرانیکا و دانشنامه جهان اسلام نوشته است. برای نمونه می‌توان به مقاله «ادیات اسماعیلیه»، «فلسفه اخلاقی ناصر خسرو و ریشه‌های آن»، «تاریخ اسماعیلیه حافظ ابرو»، «غزالی و اسماعیلیه» اشاره نمود.

دفتری در حال حاضر مسئولیت ریاست و نیز بخش پژوهش‌های مؤسسه مطالعات اسماعیلی در لندن را عهده‌دار هست. آثار و نوشته‌های ایشان مورد استناد و استفاده پژوهشگران و استادان و دانشجویان بوده و آنچه ایشان را از معاصرانش در قلمروی شیعه پژوهی ممتاز و متمایز می‌کند اهتمام ویژه به مطالعات اسماعیلیه است.

در تالیف پیش رو سعی بر این است تا در مورد روش‌شناسی (عام و خاص) ایشان بررسی و تحقیق شود. مراد از روش‌شناسی خاص؛ کشف، گزارش و بررسی روش‌های خاص و شخصی ایشان در عرصه تاریخ‌نگاری اسماعیلیه [و سایر مذاهب و فرق شیعی]، اعم از تاریخ‌نگاری حوادث و تحولات و مراحل تاریخی این فرق و تاریخ‌نگاری اندیشه‌ها، عقاید و افکار و تطورات اندیشگی و عقیدتی آنان در بخش‌هایی چون منبع‌شناسی، شخصیت‌شناسی، تنظیم مطالب، ارجاعات، گزارش، تحلیل و مقایسه آنها است؛ اما مقصود از روش‌شناسی عام، روش‌شناسی‌های شناخته‌شده‌ای است که به طور معمول در این عرصه وجود دارد از جمله می‌توان به روش تاریخی‌نگرانه، روش‌های پدیدارشناسانه و مقایسه‌ای که هرکدام شامل مکاتب و نیز منظرها و رویکردهای مختلف است، اشاره نمود. در این کتاب برآنیم که به روش‌شناسی دفتری در نگارش تاریخ و عقاید اسماعیلیه بپردازیم و دریابیم که ایشان از کدام یک از روش‌ها و برپایه کدام مکتب و منظر به تحقیق در عرصه‌های یادشده، پرداخته است. علاوه بر این یک محقق در دل روش‌شناسی عام می‌تواند ابتکارات و روش‌های خاص خود را در همه مراحل تحقیق و حتی تدوین خود داشته باشد.

در اینجا لازم می دانم از همسر مهربان و دلسوزم که در تمامی مراحل مشوق و یاری گر من بوده است و پدر و مادر عزیزم که با تمام وجود در این مسیر از من حمایت کردند و همچنین از استاد محترم آقای دکتر جاودان تشکر می کنم که با راهنمایی های دقیق و علمی خود بنده را رهنمون ساختند. از استاد بزرگوار آقای دکتر حمید رضا شریعتمداری نیز که با مشاوره های سازنده خود بنده را در این پژوهش یاری رساندند نیز تشکر و قدردانی می کنم. و در نهایت بر خود لازم می دانم از جناب آقای دکتر فرهاد دفتری بابت ملاحظه دقیق متن پژوهش تدوین شده و نوشتن پیشگفتار سپاسگزاری کنم. در آخر از مجموعه انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب به ویژه آقایان دکتر سید ابوالحسن نواب ریاست محترم دانشگاه ادیان و مذاهب، مهدی محمدی شجاعی مدیرعامل انتشارات، برادر بزرگوار علی مصدق، شهرام بردبار و خانم نیره نجفی اعلام دارم. از خداوند مهربان توفیقات روزافزون ایشان را خواستارم. دلشان همواره شاد باد!



## پیشگفتار

اسماعیلیان که پس از شیعیان اثناعشری یا دوازده امامی دومین جامعه مسلمانان شیعی را در جهان اسلام تشکیل می‌دهند، تاریخی طولانی و پرماجرا داشته‌اند که آغاز آن به صدر اسلام می‌رسد، یعنی همان دورانی که جوامع مختلف مسلمان با تعبیرهای متفاوت مواضع عقیدتی خود را می‌پروراندند. در حال حاضر، اسماعیلیان به عنوان اقلیت‌های دینی در بیش از سی کشور در خاورمیانه و در قاره‌های آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی پراکنده هستند.

اسماعیلیه در طول تاریخ پیچیده خود به شاخه و گروه‌های متعددی تقسیم شده‌اند؛ امروز دو شاخه عمده اسماعیلیه به نام‌های اسماعیلیان نزاری و اسماعیلیان مستعلوی - طیبی شهرت دارند که در جنوب آسیا بیشتر با نام‌های خوجه و بُهره شناخته می‌شوند. از سال ۱۹۵۷ م. تاکنون اسماعیلیان نزاری شاه کریم الحسینی آقاخان چهارم را به عنوان چهل و نهمین امام یا رهبر روحانی خود شناخته‌اند، حال آنکه در مورد اسماعیلیان مستعلوی - طیبی که طبق باورهایشان از سال ۵۲۴ ه. / ۱۱۳۰ م. سلسله امامان آنها در غیبت و استتار به سر برده‌اند، رهبری موروثی جامعه آنها در دست داعیان مطلق با اختیارات تام باقی مانده است.

اسماعیلیه که پس از رحلت امام جعفر صادق (علیه السلام) از دیگر شیعیان امامی جدا شده بودند، در آغاز کار خود یک نهضت انقلابی را بنیان‌گذاری کردند که هدف سیاسی - مذهبی آن براندازی حکومت خلفای عباسی سنی مذهب بود؛ زیرا آنها نیز مانند دیگر شیعیان معتقد بودند که خلفای عباسی و قبل از آنها خلفای اموی

خاندان علی بن ابی طالب (علیه السلام) را از حقوق رهبری امت محروم کرده بودند. این نهضت که به «دعوت هادی» شهرت یافت طی دوران کوتاهی موفقیت‌های چشمگیری کسب کرد و داعیان اسماعیلی تقریباً در تمام مناطق عمده جهان اسلام، از آسیای مرکزی تا ایران، عراق، بحرین، شام، یمن و مغرب حضور پیدا کرده و به ترویج پیام اسماعیلیه می‌پرداختند.

موفقیت اولیه دعوت اسماعیلیه در سال ۹۰۹/۲۹۷ با شکل‌گیری یک دولت اسماعیلی، یعنی همان خلافت فاطمی، تحت رهبری امام اسماعیلی به اوج خود رسید. این در واقع موفقیتی بود بدون سابقه برای تمام شیعیان که اکنون صاحب دولتی قدرتمند از آن خود شده بودند. همچنین در همان دوره فاطمی بود که اسماعیلیان نقش‌های مهمی در صحنه تاریخ جهان اسلام و در تکوین و گسترش اندیشه‌ها و فرهنگ اسلامی ایفا کردند. در آن دوران بود که داعیان دانشمند اسماعیلی در سرزمین‌های ایرانی، همانند ابوحاتم رازی (د. ۹۳۴/۳۲۲)، ابویعقوب سجستانی (د. پس از ۹۷۱/۳۶۱)، حمیدالدین کرمانی (د. پس از ۱۰۲۰/۴۱۱)، المؤید فی‌الدین شیرازی (د. ۱۰۷۸/۴۷۰) و بالاخره حکیم، فیلسوف و شاعر مشهور ناصر خسرو (د. پس از ۱۰۷۰/۴۶۲) تألیف آثار کلاسیک ادبیات اسماعیلی در زمینه‌های کلام و فلسفه را آغاز کردند. در همان حال، در سرزمین‌های غربی فاطمیان، داعیان دیگری همچون جعفر بن منصور الیمن (د. حدود ۹۵۷/۳۴۶) در زمینه «تأویل»، یا از ظاهر به باطن رسیدن که از وجوه متمایز تفکر اسماعیلی بود، آثار ارزشمندی پدید آوردند و قاضی نعمان (د. ۹۷۴/۳۶۳) نیز به گردآوری اصول فقه اسماعیلیه پرداخت که در نتیجه آن اسماعیلیه نیز صاحب یک مکتب فقهی گردیدند که در آن اصل اعتقادی شیعیان در مورد امامت دارای اهمیت ویژه‌ای بود.

پس از مرگ هشتمین خلیفه فاطمی المستنصر بالله در سال ۱۰۹۴/۴۸۷ مرحله جدیدی از تاریخ اسماعیلیه آغاز گردید که شاهد شقاق نزاری - مستعلوی

در دعوت و جامعه اسماعیلی بود. این انشقاق نتیجه یک نزاع گسترده بود بر سر جانشینی المستنصر بین فرزند ارشد و ولیعهد او نزار و فرزند کوچکش احمد. وزیر قدرتمند فاطمی الافضل برای حفظ موقعیت خود، احمد را با لقب المستعلی بالله به خلافت رسانید و نزار که از حقوق جانشینی محروم شده بود دست به یک قیام نافرجام زد و در سال ۴۸۸/۱۰۹۵ شکست خورد و به قتل رسید. در پی این واقعه، جامعه متحد اسماعیلی به دو جناح متخاصم یعنی نزاریه و مستعلویه تقسیم گردید. تشکیلات مرکزی دعوت اسماعیلی در قاهره و دولت فاطمی از حقوق المستعلی حمایت کرده و دعوت مستعلویه را پایه‌گذاری کردند. در همان حال، حسن صباح (د. ۵۱۸/۱۱۲۴) که به رهبری اسماعیلیان در ایران و دیگر سرزمین‌های تحت حکومت سلاجقه رسیده بود، از حقوق نزار دفاع کرده و دعوت مستقل نزاریه را جدا از دولت فاطمیان بنیان نهاد.

اسماعیلیان نزاری در سرزمین‌های تحت سلطه سلجوقیان اهمیت سیاسی نیز پیدا کردند. آنها تحت رهبری حسن صباح و دیگر خداوندان الموت از جمله کیا بزرگ امید موفق شدند دولتی با شبکه‌ای از قلعه‌های کوهستانی و تعدادی پایگاه‌های شهری در چند منطقه ایران و سپس شام تأسیس کنند که مرکز قلعه الموت بود. این دولت حدود ۱۶۶ سال دوام آورد و سرانجام در حملات مغولان در سال ۶۵۴/۱۲۵۶ منقرض شد. اسماعیلیان نزاری که مدام درگیر منازعات طولانی علیه سلجوقیان و دیگر دشمنان خود بودند و همواره در شرایط بسیار نامطلوب و خصمانه می‌زیستند، اغلب فرماندهان نظامی یا حکمرانان قلعه‌های کوهستانی تربیت می‌کردند، و برخلاف دوران فاطمی نتوانستند متکلمان و علماء دینی خاصی پرورش دهند. در نتیجه اسماعیلیان نزاری که زبان فارسی را برای فعالیت‌های ادبی خود انتخاب کرده بودند، ادبیات دینی قابل توجهی پدید نیاوردند. با وجود این، آنها نیز سنت‌های خاص دینی و ادبی خود را تدوین کردند و این سنت‌ها در واکنش به اوضاع متغیر و پرتلاطم دوره الموت (۴۸۳-۶۵۴/۱۰۹۰-۱۲۵۶) از تاریخ آنها تبلور یافت.

جماعت‌های پراکنده‌ای از اسماعیلیان نزاری پس از انهدام دولت و قلعه‌هایشان به دست مغولان پابرجا مانده و مرحله جدیدی از تاریخ خود را آغاز کردند. در اوضاع نابسامان پس از سقوط الموت، امامان نزاری به زندگی مخفیانه روی آوردند و تماس خود را با پیروانشان از دست دادند. در همان حال سازمان مرکزی دعوت آنها نیز عملاً از میان رفته بود. در چنین شرایطی که نزاریان تمام مناطق مجبور به رعایت کامل اصل «تقیه» شده بودند، طی حدود دو قرن جوامع پراکنده نزاری در شام، ایران، آسیای مرکزی و هند تحت گونه‌های مختلفی از رهبری موروثی محلی و به طور مستقل از یکدیگر تحول یافته و به اشاعه سنت‌های خاص خود می‌پرداختند. طی همان دو قرن بود که نزاریان ایران و سرزمین‌های همجوار برای حفظ خویش از تعقیب و آزار به زی صوفیان درآمدند بدون آنکه وابسته به هیچ یک از طریقه‌های صوفی آن دوران شده باشند.

در نیمه قرن نهم/پانزدهم امامان نزاری پایگاه خود را به روستای انجدان، در نزدیکی محلات، منتقل کرده و آغازگر دوره جدیدی در تاریخ نزاریه شدند که به دوره «انجدان» در احیای دعوت و فعالیت‌های ادبی مشهور شده است. طی دوره انجدان که حدود دو قرن به طول انجامید، امامان نزاری رهبری مستقیم خود را بر جوامع پراکنده پیروان خود را از نو تثبیت کرده و تدریجاً داعیان مورد اعتماد خود را به ریاست این جوامع گماردند. دعوت نزاری در آن دوران به خصوص در منطقه بدخشان، در آسیای مرکزی، و شبه قاره هند موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد. در سال ۱۲۵۷/۱۸۴۱، چهل و ششمین امام نزاری، حسنعلی شاه، که با لقب آقاخان محلاتی شهرت یافته بود، در پی درگیری‌های متفاوت با دستگاه حکومتی قاجاریه، برای همیشه از ایران مهاجرت کرد و بالاخره پایگاه خود را به هندوستان منتقل کرد که در آنجا پیروان زیادی داشت. جانشینان بعدی او، که همچنان با لقب موروثی آقاخان شهرت بین‌المللی داشته‌اند، مقرر امامت نزاریه را به اروپا منتقل کردند و آغازگر عصر جدید در تاریخ نزاریان اسماعیلی شدند.

تاریخ نگاری اسماعیلیه و شناخت دیگران از اسماعیلیان، چه از جانب سایر مسلمانان و چه در محیط‌های اروپایی قرون وسطی، هر یک مسیر خاص خود را طی کرده است. اسماعیلیان در طی تاریخ طولانی خود به پیروی از تعالیم الحادی گوناگونی متهم شده و اغلب در مناطق بیرون از سرزمین‌های تحت قلمرو دولت‌هایشان مورد آزار و اذیت معاندان خود بودند. این امور آنها را به رعایت نقیه، یعنی خود را به رنگ دیگر مذاهب و سنت‌ها در آوردن، موظف می‌کرد. مؤلفان و اندیشمندان اسماعیلی، که همان داعیان اسماعیلیه بودند، معمولاً به عنوان متکلم آموزش می‌دیدند تا بتوانند در محیط‌های متخاصم به فعالیت مشغول باشند. آنها به علت سابقه تعلیم و تربیت خود، و نیز به سبب لزوم محرمانه نگهداشتن فعالیت‌های خود، علاقه‌ای به تدوین متون تاریخی نداشتند. در همان حال، داعیان اسماعیلی کتاب‌های دینی خود را نیز پاسداری کرده و در دسترس دیگران قرار نمی‌دادند.

در چنین شرایطی بود که تا میانه قرن بیستم، اسماعیلیان به طور کلی بر اساس مآخذ و مدارکی مورد مطالعه و قضاوت قرار می‌گرفتند که دشمنان مختلف آنها گردآوری یا گاهی جعل کرده بودند. اسماعیلیان به عنوان انقلابی‌ترین شاخه تشیع برنامه دینی - سیاسی خاصی داشتند که هدف اصلی آن براندازی خلافت عباسیان و بازگرداندن خلافت به سلسله‌ای از امامان علوی بود که مورد شناخت اسماعیلیان قرار داشتند. در نتیجه آنها از هنگام شروع فعالیت‌های خود، دشمنی دستگاه خلافت عباسیان و متفکران اهل سنت را برانگیخته بودند. با تأسیس دولت فاطمی چالش بالقوه اسماعیلیه با نظام مستقر سنی - عباسی تحقق یافت، و از همان موقع خلفاء عباسی و علماء سنی مذهب دست به اقداماتی زدند که به یک برنامه تبلیغاتی رسمی ضد اسماعیلی انجامید. هدف اصلی این برنامه تبلیغاتی گسترده و طولانی، که همواره از پشتیبانی و حمایت قاطع خلفای عباسی برخوردار بود، بی‌اعتبار ساختن کل جنبش اسماعیلی از سرچشمه‌های آغازین آن بود، تا بتواند اسماعیلیان را به عنوان «ملاحده» یا کسانی که از صراط مستقیم دین منحرف شده‌اند، محکوم

سازند. مورخان، متکلمان، فقیهان، ملل و نحل نویسان و به خصوص اصحاب جدل اهل سنت، به گونه‌های مختلف در این برنامه تبلیغاتی شرکت مؤثر داشتند.

در چنین شرایطی، به ویژه اصحاب جدل اهل سنت بسیار ماهرانه شواهد و مدارک لازم را برای اثبات الحادی بودن اسماعیلیان در زمینه‌های عقیدتی جعل کردند. آن‌ها توصیف‌های مشروعی از مقاصد شیطانی، عقاید و تعالیم ضاله و نیز اعمال اباحی اسماعیلیان پرداختند، و در همان حال نسب علوی امامان آن‌ها را انکار کردند. اصحاب جدل همچنین متونی جعل کردند که در آن‌ها همه‌گونه عقاید و افعال الحادی و اباحی به اسماعیلیه نسبت داده می‌شد، و این مکتوبات سپس به عنوان رسائل اصیل اسماعیلی به جریان گذاشته می‌شد. نوشته‌های جدلی ضد اسماعیلی منبع عمده‌ای از اطلاعات گردید برای گروه ملل و نحل نویسان اهل سنت، مانند بغدادی (د. ۱۰۳۷/۴۲۹)، که آنها خود مقوله دیگری از نوشته‌های علیه اسماعیلیان را به وجود آوردند.

مجادله‌گران و دیگر مؤلفین متخاصم با اسماعیلیان با اشاعه و پخش متون جعلی و اتهامات واهی به تدریج در طول قرن چهارم/دهم یک «افسانه سیاه» علیه اسماعیلیه تدوین کرده و به جریان انداختند. طبق این افسانه، مذهب اسماعیلی کاملاً یک کیش الحادی تمام عیار بود که شیادان غیرعلوی، و یا احتمالاً یک جادوگر یهودی که ظاهراً به جامه مسلمانان درآمده بود، آن را طراحی کرده بودند تا اسلام را از درون متلاشی کنند. تا اواخر قرن چهارم/دهم این «افسانه سیاه» با شاخه‌های خاص خود و مراحل هفتگانه از تشریف به جامعه اسماعیلی که نهایتاً منجر به بی‌دینی می‌شده، به عنوان یک توصیف دقیق و شرح قابل اعتماد از انگیزه‌ها، عقاید، تعالیم و اعمال اسماعیلیان مورد پذیرش دیگر مسلمانان قرار گرفت و به جدلیات ضد اسماعیلی بیشتر و تحریک روزافزون آراء جامعه اسلامی علیه اسماعیلیان منجر شد. بسیاری از عناصر اصلی این افسانه ضد اسماعیلی را می‌توان به یکی از مؤلفین جدلی ضد اسماعیلی موسوم به ابن رزام منسوب کرد که

در نیمه قرن چهارم / دهم در بغداد می‌زیسته است. ابن رزام رساله مشروحو در ردّ اسماعیلیه نوشت که دیگر در دسترس نیست ولی یک مؤلف ضد اسماعیلی دیگر به نام شریف ابوالحسین محمد بن علی، مشهور به اخو محسن، مشروحاً از آن بهره برده بوده است. اخو محسن کتاب ضد اسماعیلی خود را در حوالی سال ۹۸۲/۳۷۲ نوشت که نسخه‌ای از آن هم دیگر موجود نیست ولی نقل قول‌های مفصلی از آن در آثار مؤلفین بعدی، به خصوص نویری (د. ۱۳۳۲/۷۳۲) و مقریزی (د. ۱۴۴۲/۸۴۵) حفظ شده‌اند.

قیام اسماعیلیان ایران به رهبری حسن صباح علیه ترکان سلجوقی سنی مذهب، که اربابان جدید خلفای عباسی محسوب می‌شدند، سبب واکنش جدید اهل سنت علیه اسماعیلیان و به ویژه اسماعیلیان ایرانی شد. وزیر قدرتمند سلاجقه یعنی نظام‌الملک (د. ۱۰۹۲/۴۸۵) بنیان‌گذار این تبلیغات ادبی جدید بود که لشگرکشی‌های نظامی نیز آن را همراهی می‌کرد و در این امر دستگاه خلافت عباسی و نیز سلطان سلجوقی از وی حمایت می‌کردند. نظام‌الملک در کتاب سیاست‌نامه خود فصلی بلند به طرد و لعن اسماعیلیان اختصاص داد که به عقیده او در پی برانداختن اسلام و گمراه ساختن خلق بودند. اما غزالی (د. ۱۱۱۱/۵۰۵)، متکلم و فقیه معروف اهل سنت، اولین رساله مستقل جدلی را علیه اسماعیلیان و عقیده تعلیم آنها تألیف کرد. غزالی به دستور خلیفه عباسی المستظهر مأموریت یافت که کتابی بنویسد در ردّ «باطنیه»، نام دیگری که اسماعیلیه را بدان می‌خواندند. این کتاب، موسوم به فضائح الباطنیه، اندکی قبل از سال ۱۰۹۵/۴۸۸ به پایان رسید. غزالی در این کتاب توصیف واهی دیگری از مراحل تشرف به مذهب اسماعیلی که نهایتاً به بی‌دینی و الحاد کامل می‌انجامید، ارائه کرد. تهمت‌های غزالی را نویسندگان سنی مذهب دیگر که اکثراً با «افسانه سیاه» روزگاران قدیمی‌تر نیز آشنایی داشتند، اخذ و تکرار کردند. مورخین اهل سنت و دیگر نویسندگان در این تبلیغ نوین ضد اسماعیلی به طور فعالانه شرکت کردند و موج دیگری از اتهامات واهی را ضد

اسماعیلیه، به ویژه اسماعیلیان نزاری ایران، به جریان انداختند؛ و تمام این‌ها در حالی بود که سلجوقیان، علیرغم قدرت بسیار برتر نظامی خود، پیوسته از بیرون راندن نزاریان از قلعه‌های کوهستانی عاجز می‌ماندند.

در قرون وسطی فاطمیان و اسماعیلیان نزاری دشمن مشترک و قدرتمند جدیدی در صلیبیان مسیحی پیدا کردند. هنگامی که حسن صباح به مستحکم کردن پایگاه‌های خود در ایران مشغول بود، صلیبیان در سرزمین قدس ظاهر شدند و به آسانی بیت‌المقدس را که هدف اصلی آن‌ها بود، در سال ۱۰۹۹/۴۹۲ گرفتند. آنها سپس چهار امیرنشین در آن قسمت خاورمیانه پدید آوردند و برخوردهای نظامی و سیاسی و تجاری بی‌شماری با فاطمیان مصر و با اسماعیلیان نزاری در شام پیدا کردند. نزاریان و صلیبیان به دفعات در شام بر سر تصرف قلعه‌ها و استحکامات مختلف با یکدیگر درگیری داشتند، و این کشمکش‌ها و پیامدهای آن بازتاب‌های ماندگاری از جهت تحریف تصویر نزاریان از دیدگاه اروپاییان به‌جا گذاشت.

نزاریان شام در زمان رهبری راشدالدین سنان، داعی کل خود، که نزدیک به سه دهه از حدود ۱۱۶۳/۵۵۸ تا زمان مرگش در سال ۱۱۹۳/۵۸۹ ریاست آنها را به عهده داشت، به اوج قدرت و شهرت خود رسیدند. این در زمان سنان، «شیخ الجبل» اصلی منابع صلیبی، بود که وقایع‌نگاران اروپایی جنگ‌های صلیبی و عده‌ای از سیاحان و سفیران اروپایی درباره اسماعیلیان نزاری که آن‌ها را «اساسین» می‌خواندند، شروع به گردآوری مطالب و اطلاعات کردند. واژه اساسین از قرار معلوم از واژه عربی حشیشی (جمع آن حشیشیه) گرفته شده بود که مسلمانان دیگر برای تحقیر به معنی «اشخاص طرد شده از جامعه» به اسماعیلیان نزاری اطلاق می‌کردند. جنگجویان صلیبی و ناظران اروپایی آنها، که علیرغم نزدیکی جغرافیایی با مسلمانان به کلی از اسلام به عنوان یک دین و تقسیمات داخلی آن و نیز از هویت اسماعیلیه هیچگونه اطلاعات دقیقی نداشتند، واژه اساسین را که در سرزمین‌های شرق مدیترانه شنیده بودند، در مورد نزاریان، که برای آنها گروهی مرموز و شناخته



نشده بودند، به کار گرفتند. در چنین اوضاع و احوالی بود که فرنگی‌ها خود در مشرق‌زمین و اروپا درباره روش‌های محرمانه اسماعیلیان نزاری شروع به داستان‌پردازی و پخش آنها کردند. در این حکایت‌ها واژه‌های «حشیشی» و «حشیشیه» برای اولین بار به معنی لفظی آن یعنی اشخاصی که از حشیش (ماده‌ای که از شاه‌دانه گرفته می‌شود) استفاده می‌کردند، به کار گرفته شد. ناگفته نماند که هیچ‌یک از این داستان‌ها در منابع اسلامی معاصر، از جمله خصمانه‌ترین نوشته‌هایی که در قرون ششم و هفتم قمری/دوازدهم و سیزدهم میلادی در مورد اسماعیلیه به نگارش درآمده، یافت نمی‌شوند.

گروه‌های صلیبی و دیگر ناظران اروپایی آنها به‌خصوص تحت تأثیر اخبار و شایعات اغراق‌آمیز در مورد قتل‌های متهورانه که گویا فدائیان اسماعیلی مرتکب می‌شدند، قرار گرفته بودند؛ این فدائیان افرادی بودند از جان‌گذشته که مأموریت‌های خود را در اماکن عمومی انجام می‌دادند و معمولاً جان خود را بر سر این امور از دست می‌دادند. در این زمینه باید یادآور شد که در قرن ششم/دوازدهم، تقریباً هر قتلی که اهمیت سیاسی داشت و در سرزمین‌های مرکزی جهان اسلام رخ می‌داد، بدون تردید به اسماعیلیان نزاری نسبت داده می‌شد. این امر روشن می‌سازد که چرا این داستان‌های واهی کلاً بر پیرامون نحوه گزینش، تعلیم و تربیت و بالاخره شستشوی مغزی فدائیان نزاری دور می‌زد؛ زیرا مقصود از پروراندن این افسانه‌ها فراهم کردن توضیحات رضایت‌بخش برای رفتار فدائیان بود که در غیر آنصورت برای اذهان غربی آن زمان قابل درک نبود. این داستان‌های مشهور به «افسانه‌های حشاشین» شامل تعدادی داستان‌های مرتبط با یکدیگر بودند، مانند «افسانه حشیش»، «افسانه بهشت»، «افسانه پرش‌های مرگ‌بار» که مرحله به مرحله و تدریجاً ساخته و پرداخته شدند و سرانجام از آنها ترکیبی در سفرنامه مارکوپولو (۱۲۵۴-۱۳۲۴) پدید آمد و به گونه‌ای گسترده رواج پیدا کرد. این سیاح معروف ونیزی افسانه جدیدی نیز به شکل «باغ سرّی بهشت» بر آن داستان‌ها افزود. باغ بهشتی که در آن‌جا تصور می‌رفت انواع لذت‌های

جسمانی برای فدائیان به کمک حشیش و به دستور رهبر آن‌ها، شیخ الجبل، به عنوان بخشی از شست‌وشوی مغزی برای آن‌ها فراهم می‌شده است.

لازم به ذکر است که عطا ملک جوینی (د. ۱۲۸۳/۶۸۱)، مورخ مشهور و دشمن سرسخت نزاریان که همراه هلاکوخان، فاتح مغول الموت، در سال ۱۲۵۶/۶۵۴ به آن قلعه درآمد و از کتابخانه بزرگ آن پایگاه پیش از آنکه به دست مغولان ویران شود، بازدید کرد، خبری از کشف «باغ بهشت» که روایت مارکو پولو مدعی وجود آن در الموت بود، در تاریخ جهانگشای خود ارائه نمی‌دهد. در هر صورت، تا قرن هشتم/چهاردهم «افسانه‌های حشاشین» شیوع گسترده‌ای یافته بودند و به عنوان توصیفات قابل اعتماد از انگیزه‌ها، تعالیم و افعال محرمانه نزاریان پذیرفته شده بودند. به همین خاطر، اسماعیلیان نزاری در منابع اروپایی قرون وسطی به صورت فرقه‌ای شیطانی متشکل از آدم‌کشان معتاد به حشیش به تصویر کشیده شده بودند.

تا اوایل قرن نوزدهم میلادی، اطلاعات اروپائیان درباره اسماعیلیان هنوز محدود بود به آنچه منابع صلیبی و دیگر مآخذ غربی در مورد آن‌ها نقل کرده بودند؛ و این‌ها هم تشکیل شده بود از همان «افسانه‌های حشاشین». اما اکنون شرق‌شناسان اروپایی با استفاده از آثار مؤلفین مسلمان که در کتابخانه‌هایشان در پاریس و دیگر شهرهای اروپا جمع‌آوری شده بود، بررسی‌های علمی‌تری در مورد اسلام و تقسیمات و تعابیر مختلف آن انجام می‌دادند. البته این تحقیقات جدید عمدتاً بر مبنای نسخه‌های خطی عربی که اکثراً به وسیله مؤلفان اهل سنت با دیدگاه‌های مغرضانه نسبت به شیعیان و به خصوص اسماعیلیه نوشته شده بودند استوار بود. در نتیجه، آنها نیز اسلام را از دیدگاه‌های اهل سنت بررسی می‌کردند و عموماً مواضع تمام جوامع شیعی را نوعی تعبیر الحادی از اسلام می‌پنداشتند، در مقایسه با اسلام اهل سنت که تعبیر راستین این دین قلمداد می‌شد. به طور کلی، بر این اساس و نیز جذابیت مداوم «افسانه‌های حشاشین» بود که شرق‌شناسان به مطالعه درباره اسماعیلیان پرداختند.

با وجود آنکه شرق‌شناسان اکنون برای اولین بار در مجامع غربی، اسماعیلیه را به درستی به عنوان یک جماعت مسلمان شیعی شناسایی کردند، اما هنوز ناچار بودند که آنها را بر مبنای منابع خصمانه اهل سنت و توصیفات مندرج در «افسانه‌های حشاشین»، که ریشه در «جهل تخیلی» داشت، بررسی کنند. در نتیجه، شرق‌شناسان قرن نوزدهم و دهه‌های آغازین قرن بیستم نیز اجباراً مهر تأیید خود را بر اسطوره‌ها و افسانه‌های ضد اسماعیلی زدند؛ به عبارت دیگر آنها مجدداً «افسانه سیاه» اهل جدل اهل سنت قرون وسطی و «افسانه‌های حشاشین» محافل صلیبی را پذیرا شده و به جریان انداختند.

پیشرفت واقعی و اساسی در مطالعات اسماعیلی هنوز در انتظار بازیابی و بررسی متون اصیل اسماعیلی در مقیاس نسبتاً وسیعی باقی مانده بود؛ یعنی نسخ خطی عربی و فارسی که به طور محرمانه در مجموعه‌های خصوصی در یمن، شام، ایران، افغانستان، آسیای مرکزی و هندوستان حفظ شده بودند. از دهه‌های آغازین قرن بیستم بود که این منابع اسماعیلی به تدریج کشف شدند و به طرق مختلف در دسترس پژوهشگران که تعدادشان هنوز اندک بود، قرار گرفتند. اما تا سال ۱۹۳۰ میلادی هنوز اطلاعات محققان اروپایی درباره ادبیات اسماعیلی بسیار محدود بود. مطالعات جدید اسماعیلی در واقع در دهه ۱۹۳۰ در هند آغاز شد؛ منطقه‌ای که مجموعه‌های مهمی از نسخ خطی آثار اسماعیلی در جامعه بهره‌های آنجا محفوظ مانده است.

این مرحله جدید عمدتاً در نتیجه فعالیت‌های پیشگامانه شرق‌شناس روسی ولادیمیر ایوانف (۱۸۸۶-۱۹۷۰) که در آن موقع در شهر بمبئی اقامت داشت، و همچنین به اهتمام چند دانشمند بهره، به ویژه آصف‌علی اصغر فیضی (۱۸۹۹-۱۹۸۱)، حسین همدانی (۱۹۰۱-۱۹۶۲) و زاهد علی (۱۸۸۸-۱۹۵۸) که مطالعات خود را بر پایه مجموعه‌های نسخ خطی خانوادگی آغاز کرده بودند، بنیان‌گذاری شد. ایوانف که پس از انقلاب ۱۹۱۷ از وطنش روسیه به هند مهاجرت کرده بود، در سال ۱۹۳۰ از طرف سلطان محمد شاه آقاخان سوم (۱۸۷۷-۱۹۵۷)، چهل و هشتمین

امام اسماعیلی، مأموریت یافت که رسماً به مطالعه تاریخ و تفکر اسماعیلیان بر اساس ادبیات خودشان بپردازد. ایوانف با روابطی که با اعضاء جامعه اسماعیلیان نزاری پیدا کرد به ادبیات آنها نیز دسترسی یافت؛ این منابع که کلاً به زبان فارسی بودند، عمدتاً به همت نزاریان آسیای مرکزی، ایران و افغانستان حفظ شده بودند. در سال ۱۹۳۳، ایوانف نخستین فهرست توصیفی از آثار اسماعیلی را انتشار داد که در آن از ۷۰۰ عنوان نام برده شده بود.<sup>۱</sup> این فهرست که بیانگر تنوع ادبیات اسماعیلی و سنت‌های متفاوت فکری و ادبی اسماعیلیه بود، در واقع چارچوبی علمی برای تحقیقات در این رشته را فراهم کرد و فرارسیدن دوره‌ای کاملاً جدید را در مطالعات اسماعیلی به همراه داشت.

مطالعات جدید اسماعیلی با تأسیس «انجمن اسماعیلی» در سال ۱۹۴۶ در شهر بمبئی و سلسله انتشارات آن انجمن تحرک تازه‌ای پیدا کرد. ایوانف در تأسیس این نهاد و نیز کتابخانه آن که نهایتاً مشتمل بر بیش از ۶۰۰ نسخه از متون عربی و فارسی اسماعیلی گردید، نیز نقش اساسی داشت. تا سال ۱۹۶۳ که ایوانف ویرایش دوم فهرست ادبیات اسماعیلی خود را انتشار داد، تعداد بیشتری از منابع اسماعیلی شناخته شده بودند،<sup>۲</sup> و در همان حال متون متعددی ویراسته و منتشر شده بودند و زمینه برای پیشرفت‌های بیشتر در این رشته نسبتاً جدید هموار شده بود. لازم به ذکر است که ایوانف نسخ اسماعیلی را در دسترس دیگر محققان نیز قرار می‌داد که از آن جمله می‌توان از اسلام‌شناس مشهور فرانسوی هنری کربن (۱۹۰۳-۱۹۷۸) نام برد.

در همان دوران، چندین دانشمند مصری مانند محمد کامل حسین (۱۹۰۱-۱۹۶۱)، حسن ابراهیم حسن (۱۸۹۲-۱۹۸۱)، جمال‌الدین الشیال (۱۹۱۱-۱۹۶۷) و عبدالمنعم ماجد (۱۹۲۰-۱۹۹۹) به مطالعات تاریخ دوره فاطمی و تفکر

1. W. Ivanow, *A Guide to Ismaili Literature* (London: Royal Asiatic Society, 1933).

2. W. Ivanow, *Ismaili Literature: A Bibliographical Survey* (Tehran: Ismaili Society, 1963).

اسماعیلیان آن دوره کمک‌های شایانی کردند. تا دهه ۱۹۵۰، پیشرفت سریع در مطالعات اسماعیلی به مارشال هاجسن (۱۹۶۸-۱۹۲۲) این امکان را داد که بتواند نخستین تحقیق علمی را در مورد اسماعیلیان نزاری دوره الموت انجام دهد.<sup>۱</sup> دیری نباید که محققان دیگری، که نماینده نسل جدیدی از پژوهشگران بودند، مانند سمونل استرن (۱۹۶۹-۱۹۲۰) و ویلفرد مادلونگ (ز. ۱۹۳۰)، بررسی‌های پیشگامانه خود را به ویژه درباره اسماعیلیان نخستین و روابطشان با قرامطیان، پدید آوردند. پیشرفت‌های دهه‌های آغازین در مطالعات جدید اسماعیلی به نحو کامل در فهرست جامع استاد اسماعیل پونا والا منعکس شده است که در آن ۱۳۰۰ عنوان به قلم ۲۰۰ مؤلف اسماعیلی، توصیف و معرفی شده‌اند.<sup>۲</sup>

طی چند دهه اخیر مطالعات اسماعیلی بر اثر کوشش‌های نسل دیگری از محققان، مانند عباس همدانی و پُل واکر، همچنان شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی بوده است. در همان حال، خود اسماعیلیان نیز به طور فزاینده‌ای علاقه‌مند به بررسی تاریخ و میراث ادبی خود شده‌اند. در این مورد لازم به تذکر است که «مؤسسه مطالعات اسماعیلیه»<sup>۳</sup> که در سال ۱۹۷۷ توسط پرنس کریم آقاخان، امام فعلی اسماعیلیه، در لندن تأسیس یافت، نقش مهمی را در پیشبرد امور این حوزه علمی ایفا کرده است. این مؤسسه با هیئت علمی وسیع خود، برنامه‌های تحقیقاتی، چندین سلسله انتشارات و مجموعه منحصر به فردی از نسخ خطی اسماعیلی (شامل بیش از ۳۰۰۰ مجلد)، اکنون به عنوان مهمترین نهاد بین‌المللی در زمینه مطالعات تشیع به طور کلی و اسماعیلیه‌شناسی به طور اخص فعالیت می‌کند و مورد شناخت قرار گرفته است. دانشمندان بسیاری در سراسر جهان در برنامه‌های تحقیقاتی و انتشاراتی این مؤسسه همکاری داشته و از نسخه‌های خطی

1. M. G. S. Hodgson, *The Order of Assassins: The Struggle of the Early Nizari Isma'ilis against the Islamic World* (The Hague: Mouton, 1955).

2. Ismail K. Poonawala, *Biobibliography of Isma'ili Literature* (Malibu, California: Undena Publications, 1977).

3. The Institute of Ismaili Studies.

آنجا به رایگان استفاده می‌کنند. پیشرفت در مطالعات جدید اسماعیلی به راستی شگفت‌انگیز بوده است. تا به حال متون متعددی که اسماعیلیان در ادوار مختلف تاریخ خود تدوین کرده‌اند، ویرایش و انتشار یافته‌اند. در نتیجه تدریجاً واقعیات تاریخی جایگزین افسانه‌هایی شده‌اند که طی بیش از هزار سال رواج داشته‌اند. اسطوره‌هایی تخیلی که ریشه در عناد و یا جهل مطلق داشتند. پیشرفت‌های جدید در بازایی و مطالعه منابع اسماعیلی در فهرست ادبیات اسماعیلی این نگارنده به طور کامل انعکاس یافته است.<sup>۱</sup>

علاقه من به مطالعات اسماعیلی به بیش از نیم قرن پیش، یعنی به دهه ۱۳۴۰ برمی‌گردد؛ زمانی که در مقطع دکتری در دانشگاه کالیفرنیا واقع در شهر برکلی به تحصیل در رشته اقتصاد اشتغال داشتم. در آن دوران که تحقیقاتی نیز در زمینه تاریخ اسلام و تشیع انجام می‌دادم با آثار اسماعیلی ولادیمیر ایوانف، پیشگام برجسته در مطالعات جدید اسماعیلی، در کتابخانه آن دانشگاه آشنا شدم. در آن روزگار تحقیقات جدید اسماعیلی هنوز اولین دهه‌های خود را می‌پیمود و من به زودی دریافتم که هنوز دوره‌های مبهم و موارد بحث برانگیز بیشماری در تاریخ این جامعه شیعه وجود داشته و آنچه شرق‌شناسان و دیگر مؤلفان درباره آنها منتشر کرده بودند، عمدتاً منعکس‌کننده دیدگاه‌ها و برداشت‌های دشمنان اسماعیلیان بوده است. با شروع مکاتبه با مرحوم ایوانف، که در آن هنگام آخرین سال‌های عمر پرحادثه خود را در تهران می‌گذرانید، بر آن شدم که در مورد اسماعیلیه تحقیقات منظم و مستمری انجام دهم، تا شاید بتوانم علل آن همه دشمنی و قضاوت‌های منفی نسبت به این اقلیت دینی را کشف کنم. این کنجکاوی مرا در مسیری قرار داد که هنوز پس از شش دهه ادامه دارد. دیری نباید که به سوابق امر، آنگونه که در این پیشگفتار خلاصه شده، اشراف پیدا کردم. از همان سال‌های نخستین به مدت

1. F. Daftary, *Ismaili Literature: A Bibliography of Sources and Studies* (London: I. B. Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, 2004).

دو دهه آثار مکتوبی را که درباره اسماعیلیه به زبان‌های عربی، فارسی و تعدادی از زبان‌های عمده اروپایی انتشار یافته بود، گردآوری کرده و مطالعه کردم.

اولین دستاورد مهم فعالیت‌های علمی من در این زمینه تألیف تاریخ جامعی بود درباره اسماعیلیه، که آن وقت وجود نداشت و هنوز هم اثری مشابه آن نگاشته نشده است. نگارش این تاریخ هشت سالی به طول انجامید که طی آن سفرهای متعددی به قلعه‌ها و دیگر اماکن اسماعیلی در ایران انجام دادم و در همان حال فصول کتاب را به طور منظم از نظر پروفیسور ویلفرد مادلونگ، برجسته‌ترین صاحب‌نظر و پژوهشگر غربی درباره اسماعیلیه که در آن هنگام به تدریس در دانشگاه آکسفورد اشتغال داشت، می‌گذراندم. این کتاب سرانجام در سال ۱۳۶۹ به وسیله انتشارات دانشگاه کیمبریج به چاپ رسید،<sup>۱</sup> و سپس با عنوان تاریخ و عقاید اسماعیلیه در سال ۱۳۷۵ توسط نشر فرزانه در تهران انتشار یافت و در سال ۱۳۷۶ جایزه «بهترین کتاب سال» را نیز در ایران به دست آورد. این کتاب که به زبان‌های عربی، اردو، ترکی و تاجیکی نیز ترجمه شد، از ابتدا به عنوان مرجعی موثق مورد استفاده محافل علمی و دانشگاهی و خود اسماعیلیان در سراسر جهان قرار گرفت، و در نتیجه بیش از ده بار تجدید چاپ شد و بالاخره ویرایش دومی نیز از آن با اضافات و اصلاحات تهیه کردم در سال ۱۳۸۶ انتشار یافت و آن نیز به فارسی ترجمه شد.<sup>۲</sup> بین این دو ویرایش، کتاب خلاصه‌تری از نتیجه تحقیقاتم درباره تاریخ اسماعیلیه، تألیف کردم<sup>۳</sup> که به زبان فارسی<sup>۴</sup> و بیست زبان دیگر ترجمه شده است.

---

1. F. Daftary, *The Ismailis: Their History and Doctrines* (Cambridge: Cambridge University Press, 1990)

۲. فرهاد دفتری، تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای (تهران: فرزانه روز، ۱۳۹۳).

3. F. Daftary, *A Short History of the Ismailis* (Edinburgh: Edinburgh University Press, 1998).

۴. فرهاد دفتری، مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای (تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۸).

در همان حال، از سال ۱۳۶۷ همکاری علمی من با «مؤسسه مطالعات اسماعیلی» شروع شد و پس از چند سال مسئولیت بخش تحقیقات و انتشارات علمی مؤسسه به من واگذار شد. از حدود ده سال قبل نیز به عنوان اولین رییس غیر اسماعیلی مؤسسه انتخاب شدم و توانستم با استفاده از امکانات آن نهاد برنامه‌های جامعی را در مورد تاریخ و تفکر جوامع شیعی تدوین نمایم. هدف اصلی من از تمام این فعالیت‌های علمی طی بیش از سه دهه در «مؤسسه مطالعات اسماعیلی» شناساندن بهتر شیعیان، و به ویژه جامعه اسماعیلیه به جوامع غربی و تا حدودی نیز شرقی بوده است زیرا اکثر این محافل هنوز اطلاعاتی محدود و اغلب نادرست درباره این حوزه از مطالعات اسلامی دارند. امید است که در تحقق بخشیدن به این هدف موفقیت اندکی حاصل شده باشد.

در خاتمه لازم می‌دانم که از سرکار خانم دکتر فریبا عباس‌پور صمیمانه تشکر کنم که با دقت عمل و کوششی قابل تحسین، و به گمان بنده با موفقیت کامل، روش‌شناسی مطالعات اسماعیلی بنده را بر اساس تعدادی از آثارم مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار داده و حاصل آن را در این کتاب که بر اساس رساله دکتری ایشان در دانشگاه ادیان و مذاهب تدوین یافته، ارائه کرده‌اند. موفقیت روز افزون ایشان را از ایزد متعال خواستارم.

فرهاد دفتری

خرداد ۱۴۰۱